

آشنایی با گروه‌های افراطی کشمیر

حجت الاسلام والمسلمین مصطفی اسکندری

کشمیر منطقه‌ای در شمال غربی شبه‌قاره هند است که از ایالت جامو و کشمیر تحت کنترل هند، ایالت گلگت-بلتستان و کشمیر آزاد تحت کنترل پاکستان و منطقه اقصی چین تحت کنترل جمهوری خلق چین تشکیل می‌شود. منطقه کشمیر تا پیش از استقلال هندوستان در سال ۱۹۴۷ یک دولت سلطنتی تحت‌الحمایه بریتانیا داشت. در جریان جدایی پاکستان از هند هر دو کشور مدعی حکومت بر این منطقه بودند که به وقوع چندین جنگ بین این دو کشور انجامید. بر این اساس، سالیان سال است که این دو کشور بر سر این منطقه دعوا دارند. بخشی از این دعوا از طریق جنگ‌های نیابتی و به وسیله گروه‌های مورد حمایت این دو کشور انجام می‌گیرد. به همین جهت بازار گروه‌های افراطی در کشمیر پر رونق است.

زمینه شکل‌گیری گروه‌های تکفیری

منطقه کشمیر به لحاظ اینکه منطقه‌ای اختلافی بین هند و پاکستان است، طبیعتاً زمینه لازم برای شکل‌گیری گروه‌های افراطی وابسته به هر یک از این دو کشور را دارد. اما علاوه بر این، زمینه شکل‌گیری گروه‌های افراطی مسلمان در کشمیر را باید در اموری همانند احساس خطر رژیم وهابی آل سعود از انقلاب اسلامی ایران و احیاء مجدد ژئوپولیتیک شیعه، ترس از گسترش تشیع و در نهایت اشغال افغانستان توسط شوروی، جستجو نمود. [1]

زمینه‌های مذکور موجب شکل‌گیری گروه‌های افراطی متعددی در کشمیر شده که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

الف: گروه سواد اعظم

این گروه که جزء اولین گروه‌های افراطی پاکستان است، دارای پایگاه اجتماعی حنفی دیوبندی است و مشی ضد شیعه دارد و به همین دلیل در زمان جنگ عراق علیه ایران، این گروه مورد حمایت صدام نیز

گروه سال 1980 به رهبری مولوی سلیم خان، بر مبنای اختلاف عقیدتی با شیعیان، در کراچی اعلام موجودیت کرد و اولین جنایتش را نسبت به شیعیان «لالوکهیت» یا همان لیاقت آباد کنونی در همان سال انجام داد. سپاه صحابه بازوی اجرایی این گروه بود. فتوای قتل شیعه از جانب این گروه صادر شد و اجرا آن توسط سپاه صحابه بود. این گروه چون در مقابل شیعیان می‌ایستاد، مورد تأیید ضیاء الحق بود چون شیعیان مخالف سیاست شرعی سازی ضیاء الحق بودند. بیشترین اعضای گروه را روحانیون دیوبندی تشکیل می‌دادند.

این گروه خواستار این بود که پاکستان خود را به عنوان کشوری سنی و حکومت آن را نیز به عنوان حکومتی سنی اعلام نماید.

گروه سواد اعظم به خاطر دارا بودن چنین عقاید افراطی علاوه بر وجوهات و کمک‌های مردم پاکستان مورد حمایت مالی سرمایه دارهای کشورهای خلیج، به ویژه عربستان هم بود. همچنان که تندرو بودن گروه موجب توجه دنیای غرب به آنان شد، زیرا حکم جهاد علیه شوروی را به راحتی از آن گروه گرفتند و اقدام علیه شیعه موجب حمایت روزافزون عربستان از آنان شد.

گروه علاوه بر ایجاد انشقاق بین شیعه و سنی بین بریلوی‌ها و دیوبندی‌ها نیز ایجاد انشقاق نمود و زمینه رادیکالیزه شدن و امنیتی شدن پاکستان را فراهم نمود. ضمناً ایجاد تنش و چالش در روابط بین ایران و پاکستان را نیز سبب گردید. البته اخیراً از دشمنی با بریلوی‌ها به ظاهر دست برداشته‌اند. این گروه جز اقدامات ضد شیعه فعالیت دیگری ندارد.^[2]

ب: گروه جیش محمد

«جیش محمد»، «ارتش محمد»، «ارتش پیامبر»، «مجاهدان تنظیم»، «جماعت الفرقان»، «تحریک الفرقان»، و «خدا م الاسلام» همه نام‌های مختلف این گروه هستند.

جیش محمد از جانب سه تن از رؤسای مدارس مذهبی یعنی مفتی نظام الدین شوزئی از مجلس تعاون اسلامی، مولانا مفتی رشید احمد از دارالافتاء و الارشاد، و مولانا شیرعلی از شیخ الحدیث دار الحقانی مورد تصدیق قرار گرفت. منطقه فعالیت گروه، جامو و کشمیر است و توسط مولانا مسعود اطهر در 31 ژانویه

2000 میلادی در کراچی شکل گرفت. ابتدا نام گروه «حرکت الجهاد الاسلامی» بود بعد «حرکت الانصار» شد و بعد «حرکت المجاهدین» و در نهایت «جیش محمد» نام گرفت و پس از حمله به پارلمان هند در سال 2001 میلادی نام آن به «تحریک الفرقان» تغییر یافت. پس از ممنوعیت گروه در سال 2002 گروه به دو شعبه تقسیم شد. «خدام الاسلام» به رهبری مسعود اطهر، و «جماعة الفرقان» به رهبری عبدالجبار که هر دو نیز در سال 2003 میلادی توسط دولت پاکستان ممنوع اعلام شدند. مسعود اطهر سپس نهادی به نام «الرحمه» تأسیس نمود و از فعالیت‌های نظامی جیش محمد حمایت نمود. [3]

مهم‌ترین خصیصه کارکردی جیش محمد، بیگانه ستیزی به ویژه مخالفت با هند و ناتوست. به زعم برخوردار مولانا مسعود اطهر از احساسات ضد شیعه، وی مخالف حمله به شیعیان و اماکن مذهبی آنهاست. مسعود اطهر معتقد است نباید علیه شیعیان اقدامات خشونت آمیز انجام داد. او اظهار داشت که همه مسلمانان جزو یک پیکرند و آسیب رساندن به هر یک از قسمت‌های این بدن در حکم آسیب رساندن به کل بدن است.

این گروه از طریق نشریه «القلم» و مجله کودکان با عنوان «بچه مسلمان» مواضع خود را به اطلاع مخاطبانش می‌رساند. [4]

مرکز عمده فعالیت جیش محمد در «فیصل آباد» و «پیشاور» می‌باشد و عمده اردوگاه‌های آموزشی آن نیز (به خصوص قبل از حمله آمریکا به افغانستان) در افغانستان قرار داشت. [5]

ج: گروه انصار الاسلام

انصار الاسلام گروهی محلی و محدود است که نیروهای خود را از درون قبایل «دره تیره» در در منطقه قبیل‌های «خیبر» جذب می‌کند، و در بیرون از منطقه خیبر نیز هیچ حضور و عملکرد قابل ملاحظه‌ای ندارد.

مؤسس گروه یک واعظ سنی (حنفی) بریلوی، به نام «پیر سیف الرحمان» است و از سال 2005 از طریق یک ایستگاه رادیوی غیر قانونی به سخنرانی و جنگ لفظی با «مفتی منیر شاکر» دیگر واعظ اهل سنت که دیوبندی بود می‌پرداخت. با بالا گرفتن اختلاف بین این دو پیر، سیف الرحمان گروه انصار الاسلام و مفتی منیر شاکر گروه لشکر اسلام را تأسیس کردند [6]، و همین امر زمینه‌ساز درگیری بین این دو گروه را فراهم آورد به نحوی بر اساس آمار از سال 2004 تا 2012 حدود پانصد شبه نظامی و غیر نظامی در اثر

درگیری‌های لشکر اسلام و انصار الاسلام کشته شدند. [7]

عمده ترین مناطق فعالیت و عملیات انصار الاسلام که حدود 150 تا 300 نفر عضو دارد، مناطق قبایلی خیبر و به ویژه نواحی «تیره» و تا حدودی «بارا» می باشد. [8]

انصار الاسلام ارتباط با سایر گروه های افراطی پاکستان را رد می کند، ولی مخالف مواضع «تحریک نفاذ شریعت محمدی» و «لشکر جهنگوی» نیست. با طالبان محلی پاکستان رابطه خصمانه ای دارد که یک بار به درگیری نظامی نیز انجامید. از نظر این گروه فعالیت القاعده در مناطق قبایلی موجب تشدید خشونت ها و مداخله سایر کشورها می شود و لذا با آن مخالفند. از دیدگاه این گروه تشکلهایی مانند «جمعیت العلماء»، «جماعت اسلامی» و «مسلم لیگ» عملاً بخشی از ارتش محسوب می شوند. رهبران انصار الاسلام «مولوی فضل الرحمان» را یک منافق می دانند. ارتش و حاکمان سیاسی را نیز متحد کفار، و شریک جرم ناتو و آمریکا در حمله به افغانستان می دانند، بدین جهت معتقدند حمله به نیروهای امنیتی و ارتش و پلیس مشروع است.

ایدئولوژی این گروه اسلام سنی (حنفی) بریلوی است و مهم ترین مؤلفه های ایدئولوژیک انصار الاسلام، تأکید بر «جهاد» و «اجرای شریعت» است که از طریق دموکراسی هم اجرا خواهد شد. [9]

د: گروه لشکر اسلام

لشکر اسلام نماد جنبشی اجتماعی از طرف ضعفا و زیردست ماندگان اجتماع قبیلہ ای، علیه مالکان و فئودال ها می باشد. پس زمینه پذیرش این گروه در بین مردم فقرا اقتصادی است. رهبر گروه «منگال باغ» از قبیلہ «سپاه» یکی از قبایل «طایفه آفریدی» است. او از ثروتمندان می دزدد و به فقرا کمک می کند و همین موجب جذب جوانان بیکار به اوست.

این گروه در سال 2004 میلادی توسط مفتی «منیر شاکر» تأسیس شد. رهبر کنونی گروه «منگال باغ آفریدی» است که سابقه جنگ با اشغال گران شوروی را نیز در پرونده خویش دارد. بعد از بازگشت از جنگ عضو حزب «عوامی ملی» گردید که صیغه ناسیونالیستی و سکولار داشت و آنتی تر احزاب بنیادگرا بود. مدتی نیز عضو جماعت های تبلیغی بود و عضویت او در جماعت تبلیغی او را در کنار منیر شاکر قرار داد. منگال باغ یک ناسیونالیست پشتون است. [10]

منگال باغ در سال 2008 با همکاری گل بهادر، ملانذیر و حاجی نامدار، اتحاد طالبان محلی را به قصد مقابله با تحریک طالبان ایجاد کرد. علی الظاهر آی اس آی نیز به منظور مهار طالبان پاکستان از لشکر اسلام حمایت می‌کند.

منیر شاکر که از علمای دیوبندی است پیوسته پیر سیف الرحمن را که پیرو مکتب بریلوی، و بنیان‌گذار گروه «انصار الاسلام» بود، تفتیح می‌کرد.^[11]

لشکر اسلام، مانند دیگر گروه‌های سلفی، برداشتی ساده‌انگارانه و ظاهر بینانه از نص مقدس دارد و با چنین برداشت بنیادگرایانه‌ای از اسلام، تفسیری خشک از آن ارائه می‌دهد. این گروه علاوه بر دغدغه اجرای شریعت، دغدغه برقراری عدالت، آن هم با تفسیری مساوات‌طلبانه از مذهب را نیز دارد.

سرّ مخالفت لشکر اسلام با انصار الاسلام به مذهب وهابی این گروه برمی‌گردد که مخالف هر نوع باطنی‌گری بریلوی است.^[12]

گروه لشکر اسلام هزینه‌های مالی خود را از طریق کمک‌های مردمی، مجبور کردن مردم به پرداخت وجه، و تعیین جریمه برای برخی اعمال تأمین می‌کند. برای مثال، برای ارتکاب قتل شش هزار دلار، برای استفاده از آنتن ماهواره ششصد دلار، برای ترک نماز در پنج وعده شش دلار، جریمه تعیین کرده است.^[13]

[11] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 504.

[12] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 504 و 505.

[13] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 510.

[14] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 516.

[15] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 524.

[16] . ر. ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 525.

[7] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 526.

[8] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 527.

[9] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 527 و 528.

[10] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 533 و 534.

[11] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 537.

[12] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 538.

[13] . ر.ک: جریان‌های افراطی در پاکستان، ص 541 و 542.